بازار نفت

وضع عرضه،تقاضا و قیمت‏های نفت

ماه گذشته مطبوعات جهانی نفت نوشتند: «اینگونه به نظر می‏رسد که از سال 2000 تا پایان سال 2000 عوامل عمدهء کنترل کنندهء بازارهای نفت به نفع اعضای اوپک حرکت‏ می‏کند.چنانچه اوپک بتواند تولید خود را کنترل نماید،اعضای آن خواهند توانست هم‏ سهم بازار خود را تقویت نموده و هم در اثر وجود قیمتهای با دوام به سطح درآمدی خود بیافزایند و پس از تحمل خسران 34 درصدی‏ یعنی 55 میلیارد دلاری درآمدهای نفتی در سال 1998،نیاز کوتاه مدت بودجه‏ای خود را تأمین کنند.

از آنجا که رشد تولید ناخالص داخلی‏ جهان برای سال جاری میلادی 3/4 درصد پیش بینی شده سطح تقاضای جهانی برای‏ نفت نیز در سال جاری حدود 2 میلیون بشکه‏ در روز افزایش می‏یابد.البته با توجه به‏ عملکرد قوی اقتصاد جهان،رشد سالانه‏ تقاضای جهانی برای نفت به میزان 2 میلیون‏ بشکه در روز در دورهء 2000-2002 از جمله در منطقهء شوروی سابق نمی‏تواند چندان دور از انتظار باشد.

در مورد تولید کنندگان غیر اوپکی(به‏ استثنای شوروی سابق)وضع چندان نوید بخش نیست زیرا در سال 1999 در این‏ حوزه‏ها عملیات حفاری بی سابقه‏ای در 25 سال گذشته صورت نگرفته است.

بنا به گزاشها، میزان سرمایهء هزینه شده‏ در بخش اکتشاف و تولید در خارج از منطقهء اوپک در سال 1999 به میزان 20 درصد کاهش یافت و در سال جاری نیز شرکتها قرار است میزان سرمایه‏گذاری در این بخشها را فقط 11 درصد بالا ببرند.لذا اوپک می‏تواند تا حدودی اطمینان داشته باشد که عرضه غیر اوپک ظرف یکی دو سال آینده با توجه به‏ مقدار سرمایه‏گذاریهای صورت گرفته در بخشهای اکتشاف و تولید،افزایش چندانی‏ نخواهد یافت و در بهترین صورت ممکن‏ است سالانه حدودا یک میلیون بشکه در روز در سالهای 2000 تا 2004 به عرضه جهانی‏ نفت بیافزایند.علاوه بر این تاکنون نشان داده‏ شده که غیر اوپک هیچگاه قادر نبوده سالیانه‏ بیش از یک میلیون بشکه در روز و به طور مستمر به عرضه نفت جهان اضافه کند.

در سال 2000 سهم بازار اوپک اضافه‏ می‏رود که به سطح 42 درصد برسد،حال‏ آنکه در سال 1985 کمتر از 30 درصد بود. در گزارشها نیز آمده است که مازاد ظرفیت‏ تولید نفت جهان در سال 1999 معادل 5 میلیون بشکه در روز بود که 90 درصدآن‏ مختص منطقهء اوپک بوده است.در پایان سال‏ جاری،پیش بینی شده که این مازاد ظرفیت به‏ سطح 3 میلیون بشکه در روز کاهش یابد چون‏ ظرفیت تولید اوپک مخصوصا در ونزوئلا پایین خواهد آمد.لذا در بخش پایانی سال‏ 2000 این مازاد ظرفیت تنها در سه کشور عضو اوپک یعنی عربستان سعودی،کویت و امارات وجود خواهد داشت.

بنابراین مشخص است که کلیه عوامل‏ دست به دست هم داده و به نفع اوپک کار می‏کنند تا از قیمتهای بالاتر منتفع گردد.البته‏ در مقایسه با جهان،آمریکا یا آسیا،ارزش‏ مصرف نفت به نسبت آنچه در اواخر دههء 70 وجود داشت،بسیار کاهش یافته است.تولید ناخالص داخلی واقعی تقریبا دو برابر ولی‏ قیمت‏های واقعی نفت بیش از 50 درصد کاهش نشان می‏دهد.البته در کوتاه مدت،رکود اقتصادی،بی نظمی در اوپک،و تحولات‏ تکنولوژیکی در خارج از منطقهء اوپک و گرایش به سمت سوختهای جدید در بخش حمل و نقل می‏تواند دایما این دورنما را در معرض خطر داشته باشد ولی پویایی عوامل‏ بنیادین عرضه و تقاضا در حال حاضر به نفع‏ اوپک عمل می‏کند.

اوپک و بازار نفت، شماره 75

زمان و مکان‏ در سیستم جدید قیمت‏گذاری نفت

ساختار قیمتهای جهانی نفت در حال‏ تغییر است.پیشنهاد سعودی‏ها مبنی بر محاسبه نفت خام فروشی به اروپا براساس‏ قیمت محموله‏های تحویل آتی در بازار IPE (بازار نفت لندن)بزرگترین تغییر سیستم‏ قیمت‏گذاری در دهه گذشته خواهد بود.این‏ تغییر سیستم قیمت‏گذاری کشمکش میان‏ فروشندگان و خیداران را سبب خواهد شد بدین معنی که چه کسی خطرات ناشی از تغییر قیمتها را متقبل شده و یا چه کسی‏ مقصد نهایی محموله‏ها را تعیین خواهد کرد. شرکت نفت عربستان ARAMCO خواهان‏ استفاده از قیمت‏های محموله‏های تحویل‏ آتی IPE بوده بدلیل آنکه داد و ستد در این‏ بازار بسیار روان است،اما برای خریداران‏ فرمول‏های جدید قیمت‏گذاری خطراتی را در رابطه با قیمت محموله‏های تحویل فوری‏ متوجه آنان خواهد کرد.در شرایط کنونی که‏ بازار نفت با کمبود عرضه مواجه است، ممکن است خریداران شرایط ARAMCO را پذیرا شوند اما دیر یا زود بر علیه این شرایط واکنش نشان می‏دهند.فرمول جدید قیمت‏گذاری وضعیت مشخصی نسبت به‏ بازار محموله‏های تحویل فوری نخواهد داشت.در حال حاضر محموله‏های نفت خام‏ عربستان براساس قیمت نفت خام برنت‏ موعددار در روزهایی که حدودا محموله به‏ اروپا می‏سد محاسبه می‏شود.این مسئله‏ نفت خام عربستان را در بازار اروپا نسبت به‏ نفت خامهایی که در این منطقه تولید می‏شود قابل رقابت کرده و در حقیقت ARAMCO را بصورت یک فروشنده نزدیک به بازار مصرف درآورده است.ولی براساس شیوه‏ جدید فروش،نفت خام براساس قیمت‏ محموله‏های برنت تحویلی ماه بعد از بارگیری قیمت‏گذاری می‏شود.این بدان‏ معنی است که قیمت نفت خام فروخته شده‏ وقتی مشخص می‏شود که مثلا هنوز نفتکش‏های حامل آن در سواحل غربی افریقا قرار دارند.بدین ترتیب خطر تغییر قیمت تا رسیدن محموله به بازار مصرف را متقبل‏ خواهد شد.این مسئله فقط به این معنی‏ نیست که اختلاف قیمت محموله‏های تحویل‏ فوری و تحویل آتی،خریداران را با خطر مواجه خواهد کرد بلکه شیوه جدید قیمت‏گذاری سبب خواهد شد محل رقابت‏ نفت خامها از اروپا به غرب آفریقا(محل‏ نفت خام در زمان مشخص شدن قیمت) منتقل شود.

بدین ترتیب ARAMCO از حالت یک‏ فروشنده‏ای که در نزدیکی بازار مصرف قرار دارد خارج شده و به فروشنده‏ای تبدیل‏ می‏شود که فاصله آن تا بازار مصرف در حد متوسط قرار خواهد داشت.فروشنده‏ای که فاصله خود را با بازار مصرف افزایش می‏دهد از آزادی بیشتری برای تعیین محلی که‏ محموله‏های خود را خواهد فرستاد برخوردار شده و مشتریان آنان نیز در صورت لزوم از زمانی بیشتری برای پیدا کردن محموله‏های‏ جانشین برخوردار می‏شوند.

غرض اصلی از مرتبط کردن قیمت نفت‏ خامها به یک نفت خام پایه حفظ قابلیت‏ رقابت در یک بازار است.اگر ARAMCO بخواهد به عنوان یک فروشنده‏ای که فاصله‏ متوسط تا بازار نفت دارد به رقابت بپردازد، دیر یا زود،مجبور می‏شود محدودیتهای را که برای خریداران در مورد فروش مجدد محموله و یا تغییر مقصد آن قائل می‏شود، لغو کند.محموله‏های نفت خام تولیدی در غرب افریقا معمولا روانه بازار آمریکا می‏شوند.از نظر لجستیکی دلیلی نخواهد داشت زمانی که محموله‏های سعودی به‏ غرب افریقا می‏رسد مسیر خود را منحرف‏ کرده و بجای اروپا روانه آمریکا شود.این‏ مسئله احتمال استفاده از نفت خام برنت‏ بجای نفت خام متوسط وست تگزاس (WTI) در فرمول قیمت‏گذاری برای محموله‏های به‏ مقصد امریکا را افزایش می‏دهد.نفت خامهای‏ غرب افریقا روانه بازارهای آسیا نیز می‏شوند. نفت خامهای مذکور در این بازار بایستی با نفت خامهای خلیج فارس به رقابت بپردازند. مسئله رقابت در بازار ممکن است‏ ARAMCO را مجبور کند بجای نفت خام‏ دوبی،نفت خام برنت را در فرمول‏ قیمت‏گذاری محموله‏های به مقصد آسیا نیز وارد کند.

مشتریان اروپایی ARAMCO نیز مجبور خواهند بود روشهایی را ابداع کنند تا توسط آنها بتوانند خود را در مقابل تغییرات بازار محموله‏های تحویلی آتی و تحویل فوری‏ حمایت کنند.این روشها ممکن است‏ معاوضه (SWAP) با محموله‏های برنت‏ موعددار و یا استفاده از شاخص‏های دیگر قیمت‏های نفت مانند قیمت‏هایی که مؤسسه‏ ARGUS از قیمت نفت خام‏های دریای‏ شمال در اختیار می‏گذارد را شامل شود.

فرمولی که در حال حاضر ARAMCO برای قیمت گذاری نفت خامهای خود مورد استفاده قرار می‏دهد در دهه 1980 جانشین‏ فرمول قیمت‏گذاری NETBACK شد.در فرمول NETBACK پالایشگران بطور کامل‏ در مقابل نوسان قیمتها حمایت می‏شدند.پس‏ از آن خریداران خواهان شدند که حتی‏ برای محموله‏های روی آب نیز روشهای‏ حمایتی ایجاد شود تا در مواقع نوسان شدید قیمتها متضرر نشوند.این مسئله باعث شد تا برای هر منطقه خاص قیمت مجزایی در نظر گرفته شود اما از طرفی باب تبعیض در تعیین قیمت یک نفت خام برای مناطق‏ مختلف گشوده شد.

مسلم آنکه در هر صورت ساختار بازار نفت بشکل فعلی باقی نخواهد ماند. شاخصهای عمده بازار نفت مانند برنت‏ موعددار،متوسط وست تگزاس و دوبی همگی‏ دارای نقایصی هستند.روشهای جدیدی‏ بایستی ایجاد شود تا میان داد و ستد روان و خطرات احتمالی،تعادلایجاد کند.

نشریهء بازار نفت، شماره 2968

شرکتهای نفتی‏ بیش از حد محتاط شده‏اند

معلوم نیست قیمتهای نفت چند دلار دیگر باید افزایش یابد تا کمپانی‏های نفتی به‏ افزایش سرمایه‏گذاری در بخش اکتشاف و تولید اقدام کنند.بیلان شرکتهای نفتی‏ نمایانگر سودهای عظیمی است که بخاطر افزایش شدید قیمتهای نفت حاصل شده‏ است اما با وجود این بیشتر آنها در بودجه‏های خود قیمت نفت را 16-12 دلار در هر بشکه در نظر گرفته‏اند.اگر شرکتهای‏ نفتی جهت افزایش تولید،میزان‏ سرمایه گذاری‏های خود را افزایش ندهند، قیمت‏های نفت احتمالا در سطح قابل قبول‏ اوپک یعنی 20-18 دلار در هر بشکه باقی‏ خواهد ماند.البته ممکن است که شرکتهای‏ نفت افزایش قیمتهای نفت را امری گذرا تلقی‏ کرده و اصولا آن را پایه‏ای برای افزایش‏ سرمایه‏گذاری خود بشمار نیاورند.سال‏ گذشته مجموع سود شرکتهای EXXON CHEVRON ṣMOBIL و TEXACO نسبت‏ به سال 1998 حدود 75 درصد افزایش یافت‏ و به 5/8 میلیارد دلار بالغ شد ولی با وجود این میزان تولید نفت این شرکتها در این دوره‏ تغییر نکرده و در سطح 5/4 میلیون بشکه‏ در روز ثابت ماند.احتمالا وضعیت شرکتهای‏ SHELL و BP AMOCO نیز به همین منوال‏ خواهد بود.شعار امروز شرکتها یکپارچگی و ادغام است.هزینه سرمایه‏گذاری شرکت‏ مذکور در سال 1999 نسبت به 1998 حدود 15 درصد کاهش یافت.شرکت SHELL نیز در سال جاری برنامه‏های خود را براساس‏ قیمت 14 دلار(برای نفت خام برنت)در هر بشکه تنظیم کرده است.

رییس شرکت SHELL در ماه دسامبر گذشته اعلام کرده بود:با وجودقیمتهای‏ بالای نفت،ما خود را به خطر نخواهیم‏ انداخت.

برداشت کلی از وضعیت موجود آن است‏ که نوسان قیمتها،سرمایه‏گذاری در بخش‏ اکتشاف و تولید را خطرناک کرده است.

از زمان سقوط قیمت‏ها نفت در سال‏ 1998 شرکتهای نفتی مواضع و استراتژیهای‏ دفاعی را انتخاب کرده‏اند.بررسی‏ها نشان‏ می‏دهد که این شرکتها در رابطه با افزایش‏ سرمایه‏گذاری در بخش اکتشاف و تولید حداکثر احتیاط را بخرج می‏دهند.اما 3 سال‏ پیش وضعیت کاملا متفاوت بود،شرکتها عموما در پی افزایش شدید تولید خود بودند. در آن مان تصور بر این بود که بازارهای‏ جهانی با کمبود عرضه نفت مواجه خواهند شد این مسئله باعث شد تا شرکتهای نفتی‏ بی محابا سرمایه‏گذاری در بخش اکتشاف و تولید را افزایش دهند.میزان دستگاههای‏ حفاری فعال در آن زمان به دو برابر افزایش‏ یافت.در آن زمان شرکت BP پس از 18 ماه‏ تلاش کار توسعه میدان نفتی FOINAVEN (در بخش انگلیسی دریای شمال)را پایان داد اما درست یک هفته بعد یعنی در اواخر 1997 کشورهای عضو اوپک در جاکارتا توافق کردند که سهمیه تولید اعضا افزایش‏ یابد که بدنبال آن قیمتهای نفت سیر نزولی در پش گرفت.سقوط قیمتهای نفت در سال‏ 1998 باعث کاهش شدید سرمایه‏گذاری‏ها و ادغامهای بزرگ شرکتهای نفتی معظم جهان‏ شد.ادغام شرکتهای BP و AMOCO از آن‏ جمله است.زمانی که قیمت نفت خام برنت‏ به 10 دلار در هر بشکه رسید،رییس شرکت‏ BP گفته بود استراتژی ادغام شرکتهای بزرگ‏ برای بقای آنها لازم است.عدم علاقه شرکتها به افزایش سرمایه‏گذاری‏های خود در بخش‏ اکتشاف و تولید علیرغم افزایش شدید قیمتهای نفت مبین آن است که خطرات‏ سرمایه‏گذاری در این بخش بشدت افزایش‏ یافته است.

شرکت SHELL مدعی است که بخش‏ بالادستی(اکتشاف و تولید)این شرکت از بنیه‏ای قوی برخوردار بوده و با قیمت 10 دلار در هر بشکه نیز می‏تواند به فعالیت خود ادامه دهد.بنابراین حالا که قیمت‏ها به بیش‏ از 20 دلار در هر بشکه رسیده است چرا سرمایه‏گذاری در این بخش با تردید همراه‏ است.در حال حاضر وضعیت نقدینگی‏ شرکتها بسیار خوب است و زمینه‏های‏ بسیاری برای سرمایه‏گذاری دراین صنعت‏ وجود دارد.ایجاد محدودیت در سرمایه‏گذاری و از دست دادن پروژه‏های‏ سودآور کار اشتباهی است شاید زمان آن‏ رسیده که کمی بی احتیاطی کنیم.

نشریه بازار نفت،شماره 1967 به نقل از پترولیوم آرگوس

ذخایر انرژی استراتژیک

گذشته از آنکه واقعا چه قیمتی برای‏ نفت خام مناسب است و اصولا قیمت این‏ ماده بر اساس چه معیارهایی باید تعیین شود، نمی‏توان انتظار داشت که تولید کنندگان نفت‏ در نهایت مرعوب مصرف کنندگان شده و با تهدید آنها به استفاده از ذخایر استراتژیک‏ برای پایین آوردن قیمت‏ها طبق نظر آنها عمل‏ کنند.در این میان کشورهای عضو اوپک دو راه حل در پیش‏رو خواهند داشت اول‏ افزایش تولید طبق خواست بزرگترین‏ مصرف کننده نفت جهان و دیگر به چالش‏ طلبیدن این خواسته.حال بایستی دید که‏ مصرف کنندگان بزرگ دنیا و در رأس آنها آمریکا از چه ابزاری برای تحت فشار قرار دادن تولید کنندگان برخوردارند.مهم‏ترین‏ ابزاری که در اختیار مصرف کنندگان باقی‏ می‏ماند ذخایر نفتی استراتژیک آنها است.به‏ این ترتیب که مثلا روزی 3-2 میلیون بشکه‏ از این ذخایر را روانه بازار کرده و شکاف‏ میان عرضه و تقاضا را پر کنند.مسئله‏ اینجاست که آنها برای چه مدتی می‏توانند به‏ این کار ادامه دهند و اصولا آیا کشوری مثل‏ آمریکا حاضر خواهد بود خطرات این کار را پذیرا شده و این ذخایر را که برای مواقع‏ بحرانی حفظ کرده از دست بدهد.برداشت از ذخایر استراتژیکی امریکا نمی‏تواند به عنوان‏ یک کار اصولی مطرح شود و تنها جنبه‏ نمادین خواهد داشت.اما از سوی دیگر اوپک نیز می‏تواند برای همین برداشتهای‏ محدود از ذخایر استراتژیک چاره‏ای‏ بیندیشد.در گذشته تجربه نشان داده زمانی که‏ قیمتهای نفت بشدت کاهش یافته،اعضای‏ اوپک برای افزایش سطح قیمتها تصمیم به‏ کاهش تولید می‏گیرند.اگر کار آنها کاملا نتیجه‏بخش باشد مسئله‏ای پیش نخواهد آمد اما اگر این کاهش تولید سبب افزایش قابل‏ توجهی در سطح قیمتها نگردد تخلف از سهمیه‏ها کم‏کم آشکار خواهد شد.

واقعیت آن است که در اکثر کشورهای‏ عضو اوپک درآمدهای نفتی بخش اعظم‏ درآمدهای دولت را تشکیل می‏دهد.در زمان‏ کاهش شدید قیمتهای نفت اینگونه کشورها مجبور به افزایش تولید شده و از سهمیه‏های‏ تعیین شده برای کسب درآمد بیشتر تخلف‏ می‏کنند.هر چند این عمل آنها باعث سقوط بیشتر قیمتهای نفت شده و آنها را در یک‏ چرخه منفی قرار خواهد داد.لکن راه حل‏ چیست؟در حال حاضر تعدادی از کشورهای‏ عضو اوپک بخشی از درآمدهای نفتی خود را در صندوق خاصی قرار می‏دهند که در صورت بروز بحران و سقوط قیمتهای نفت‏ بتوانند از آن استفاده کنند.چرا ازاین راهکار بصورت وسیعتر و قانونمندتر استفاده نشود و اوپک نیز در مقابل ذخایر نفتی استراتژیک‏ ذخایر ارزی استراتژیک را برپا نکند.وجود چنین ذخایر ارزی به اوپک اعتماد به نفس‏ بخشیده و این سازمان را از قدرت مانور بیشتری برخوردار خواهد کرد.فرض کنیم‏ مصرف کنندگان 3-2 میلیون بشکه در روز از ذخایر نفتی خود را روانه بازار کنند.آنها واقعا چند ماه می‏توانند به این کار خود ادامه دهند. قطعا تعداد این ماهها از تعداد انگشتان دست‏ تجاوز نخواهد کرد.تولید کنندگان در صورتیکه اقدام مصرف کنندگان را غیر منطقی تلقی کنند می‏توانند تولید خود را باز هم کاهش داده و کاهش درآمد را از محل‏ ذخایر ارزی استراتژیک جبران کنند و این‏ حق مسلم آنان است.

در هر صورت ایجاد چنین صندوقی چه‏ با هدف ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا در بازار و چه با هدف کمک به تولید کنندگان در زمان کاهش شدید قیمت‏ها و یا هر دو انگیزه، کاری عاقلانه و لازم بنظر می‏رسد.

نشریه بازار نفت،شماره 2965

علی بهرامیان دهکردی

مرجع:نشریه امور اوپک و روابط با مجامع انرژی

بقیه از صفحهء 32

اکتشاف و استخراج نفت در آبهای عمیق و بسیار عمیق نیازمند سرمایه‏گذاریهای کلان است‏ از آنجا که ذخایر اکتشافی در این مناطق عمدتا کوچک است از اینرو متوسط هزینه افزایش‏ می‏یابد.هر چند شاهد ارتقاء سطح دانش فنی‏ در سالهای اخیر بوده‏ایم ولی تولید از مناطق‏ عمیق و بسیار عمیق هزینه‏های عملیاتی‏ بالایی را طلب می‏نماید لذا در قیمتهای پایین‏ نفت عملیات تداوم نخواهد داشت.از آنجا که‏ غرب نیز به دنبال تنوع مبادی نفتی است‏ می‏توان انتظار داشت که حداقل طی چند سال‏ آینده قیمت‏های نفت چندان از سوی غرب‏ تحت فشار قرار نگیرد.البته تلاش غرب‏ برای تثبیت قیمتهای نفت خام در محدوده‏ای‏ که منافع آنان را تضمین نماید ادامه خواهد یافت ولی مطمئنا قیمت‏های نفت به سطح‏ سال 1998 برنخواهد گشت.

با توجه به اکتشافاتی که طی دو سال گذشته‏ صورت پذیرفته و با توجه به بالا بودن سطح‏ قیمت‏ها طی سالهای آینده شاهد بهره‏برداری از ذخایر آبهای عمیق مناطق مختلف جهان به ویژه‏ خلیج گینه،خلیج مکزیک و برزیل خواهیم بود. بنابراین به نظر می‏رسد که تولید غیراوپک طی‏ چند سال آینده با رشد قابل توجهی همراه باشد و در نتیجه با توجه به پتانسیل ظرفیت تولید اوپک کشورهای عضو می‏بایست نهایت دقت‏ را در انتخاب زمان سرمایه‏گذاری در صنایع‏ بالادستی به عمل آورند در غیر اینصورت‏ افزایش امکانات تولید نفت و همچنین‏ جایگزینی گاز و انرژیهای نو منجر به افزایش‏ رقابت و تخریب قیمتها خواهد شد.